

پژوهش در تاریخ، سال چهاردهم، شماره ۳۶، بهار و تابستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹

رویکرد سیاسی اردوان دوم در مرزهای غربی شاهنشاهی اشکانی

امین بابادی^۱

امیرعباس صفی‌زاده^۲

چکیده:

تعیین خط مشی سیاسی اشکانیان در داخل و خارج کشور، به دلیل کمبود اسناد موجود، همواره امری مشکل و گاه محال است. با وجود این، در برخی اوقات با کنار هم گذاشتن شواهد موجود می‌توان به نتیجه‌ی مشخصی رسید. شاهنشاهی اشکانی در دوره‌ی اردوان دوم با مشکلات عدیده سیاسی مانند تلاش روم برای فتح ارمنستان و تمایلات گریز از مرکز حکومت‌های دست‌نشانده روبرو بود و به رویکرد نوینی در زمینه‌ی سیاست داخلی و خارجی برای خروج از بحران نیاز داشت. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که رویکرد سیاسی و ساز و کار اجرایی اردوان دوم در مرزهای غربی قلمرو خود و در برابر طوایف و حکومت‌های متخاصم چگونه بود؟ یافته‌های این مقاله نشان خواهند داد که اردوان برای مقابله با مشکلات مذکور، از طرفی اقدام به کاهش قدرت دودمان‌های محلی چون الیمایی، آذربایجان و خاراکنه و جایگزینی برخی از آن‌ها با اعضای خاندان اشکانی و از طرف دیگر اقدام به کاهش قدرت اشراف محلی و کاهش اختیارات داخلی دولت‌شهرها کرد. در کنار اقدامات داخلی، سیاست مقابله با نفوذ روم در ارمنستان نیز در دستور کار اردوان قرار گرفت که موقتاً با عدم موفقیت اشکانیان همراه بود. هرچند همه‌ی اقدامات او بازده آئی نداشت؛ اما به سرمشقی برای جانشینانش در دهه‌های بعد تبدیل شد.

واژگان کلیدی: اردوان دوم، اشکانیان، سیاست داخلی، سیاست خارجی، مرکزگرایی.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان، دانشگاه تهران aminabdalbabadi69@gmail.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان، دانشگاه تهران saffizadeh@gmail.com

۱- مقدمه

شاهنشاهی اشکانی در حد فاصل ۲۴۷ پیش از میلاد تا ۲۲۴ میلادی، دیرپاترین نظام سیاسی حاکم بر ایران است (و این در حالی است که شاخه‌ی اشکانیان ارمنستان تا سده‌ی ۵ میلادی نیز دوام آورد). بنابراین پیداست که آنان، ساختار اداری پویا و کارآمدی را در قلمرو زیر فرمانشان به کار بسته بودند. تعیین این ساختار اداری و رویکرد سیاسی اشکانیان برای پی بردن به دلایل ثبات و دوام این حکومت الزامی است. اشکانیان در زمان مهرداد یکم (۱۷۱-۱۳۸/۱۳۷ ق. م) به قدرتی جهانی تبدیل شدند و در زمان مهرداد دوم موفق گشتند علاوه بر غلبه بر بحران هجوم اقوام کوچروی شمال شرقی،^۳ با برقراری رابطه با امپراتوری‌های روم^۴ و چین،^۵ نظامی مدون برای بازرگانی و روابط صلح‌آمیز با دیگر قدرت‌های جهانی پی‌ریزی کنند. در سده نخست پیش از میلاد، اقتصاد شاهنشاهی اشکانی پیشرفت زیادی داشت و این موضوع را می‌توان از وفور سکه‌های ارد دوم (۵۵-۳۷ ق. م) دریافت.^۶ اما از اواخر این سده اختلافات داخلی در شاهنشاهی اشکانی بالا گرفت که ثمره‌ی آن، اقدام فرهاد چهارم در فرستادن فرزندانش به روم برای مقابله با دسیسه‌های داخلی، و هموار کردن راه برای بر تخت‌نشینی فرهاد پنجم (فرهادک) بود.^۷ در سال ۲ ق. م، فرهاد پنجم به ناچار در برابر تعهد روم بر جلوگیری از مزاحمت برادرانش که در روم به سر می‌بردند، از ادعای خود (و ایران) بر ارمنستان دست کشید.^۸ پس از

۳. ایدرین دیوید بیوار، ۱۳۸۰، «تاریخ سیاسی ایران در دوره‌ی اشکانیان»، تاریخ ایران کمبریج ج ۳ بخش ۱، ویراسته‌ی احسان یارشاطر، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ص ۱۴۰.
۴. پلوتارک، ۱۳۳۷، حیات مردان نامی، ج ۲، ترجمه‌ی رضا مشایخی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۵۱۰؛ یوزف ولسکی، ۱۳۸۲، شاهنشاهی اشکانی، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس، ص ۱۰۷.
۵. خسرو کیانراد، ۱۳۹۶، بازرگانی در روزگار اشکانیان، تهران: آبادبوم، ص ۱۱۸.
۶. دیوید سلوود، ۱۳۸۰، «سکه‌های پارتی»، تاریخ ایران کمبریج، ج ۳ بخش ۱، ویراسته‌ی احسان یارشاطر، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ص ۳۹۲.
۷. آلفرد فن گوتشمید، ۱۳۵۶، تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان، ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۷۷.
۸. پرویز رجبی، ۱۳۸۳، هزاره‌های گمشده، ج ۴ اشکانیان (پارتها)، تهران: توس، ص ۱۱۰.

دوره‌های درگیری داخلی و بی‌ثباتی، عاقبت در حدود سال ۱۲ میلادی، اردوان دوم بر اورنگ شاهنشاهی ایران اشکانی تکیه زد. پس از این بود که امپراتوری روم در پی بسط نفوذ خود در ارمنستان برآمد^۹ و مهم‌تر از آن، حکومت نیرومند و سلطه‌جوی کوشانی در شرق ایران به تدریج قدرت یافت.^{۱۰} بنابراین شاه تازه بر تخت نشستگی اشکانی باید با بحران‌های بزرگی دست و پنجه نرم می‌کرد.

اردوان دوم که از جانب مادری اشکانی تبار بود و احتمالاً از جانب پدری تباری پارسی (و یا هخامنشی) داشت (بنگرید به ادامه)، در طول دوره‌ی حکومت خود با مشکلات زیادی در یک سوم غربی قلمروی پهناور خود، در برابر سیاست‌های مداخله‌جویانه‌ی امپراتوری روم مواجه بود. در کنار مشکلات خارجی، تمایلات گریز از مرکز حکومت‌های نیمه‌مستقل و تلاش روم و گرجستان برای نفوذ کامل در ارمنستان، اردوان را به اتخاذ سیاست مرکزگرا و بسط ثبات و تحکیم قدرت مرکزی در مرزهای غربی شاهنشاهی اشکانی وادار کرد. همچنین نیاز بود تا اردوان موقعیت مقام شاهنشاه را در برابر اشراف که در مقابل حکومت مرکزی وزنه‌ی سنگینی بودند، تثبیت و تحکیم کند. مجموعه‌ی موارد مذکور موجب شد تا اردوان در دوره‌ی حکمرانی خود به کرات با قدرت‌های محلی و اشراف برخورد پیدا کند.

هدف در مقاله پیش‌رو، پاسخ به این پرسش است که رویکرد سیاسی اردوان دوم در مرزهای غربی قلمرو خود در برابر اقوام و حکومت‌های متخاصم، و سازوکار اجرایی این شاهنشاه در مقابل مشکلات پیش‌آمده در پی این رویکرد سیاسی چگونه بوده است؛ بنابراین نیاز است تا به تبیین و تعیین سیاست داخلی و خارجی شاهنشاهی اشکانی در فاصله‌ی سال‌های ۱۲/۱۰ تا ۴۰/۳۸ میلادی پرداخته شود. این نوشتار فاقد پیشینه‌ی پژوهش مستقل است؛ اما

۹. محمد ملکی، ۱۳۹۷، *اشکانیان ارمنستان*، تهران: پژوهاک کیوان، ص ۶۵.
۱۰. اوسموند بویثارچی، ۱۳۹۲، «هندوپارتیان»، ترجمه‌ی فرید جواهرکلام، *امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن*، ویراسته‌ی یوزف ویزهوفر، تهران: فرزنان روز، ص ۶۱۹.

می‌توان به مقاله‌ی مشترک اسماعیلی و زرین‌کوب اشاره کرد^{۱۱} که درباره‌ی شورش شهر سلوکیه در دوره‌ی اردوان دوم است و بخشی از موضوع پژوهش حاضر را پوشش می‌دهد. نگارندگان، اهمیت این پژوهش را در مشهود ساختن چگونگی سیاست اداری و نظامی شاهنشاهی اشکانی در مرزهای غربی قلمرو خود می‌دانند و این موضوع می‌تواند در تعیین سازوکار شاهنشاه اشکانی در غلبه بر بحران‌های موجود در نیمه‌ی دوم حکومتش، راهگشا باشد.

۲- سیاست داخلی اردوان دوم در سرزمین‌های غربی

در میان پژوهشگران معاصر معمولاً شاهنشاهی اشکانی یک دولت فدرال متشکل از اجزاء کوچک‌تر معرفی می‌شود که در آن روابط دولت‌های دست‌نشانده با دولت مرکزی اغلب سست و بسته به شرایط روز، متغیر ارزیابی می‌شود و شاید به همین دلیل بود که کیل، آنان را دلک‌های هزاره لقب داده بود.^{۱۲} این ساختار در شاهنشاهی اشکانی باعث ایجاد کلان‌روایتی مبنی بر ضعف ساختاری این شاهنشاهی شده است.^{۱۳} از داده‌های مختلف می‌توان وجود دولت‌های دست‌نشانده را در گرجستان، ارمنستان، آتروپاتن،^{۱۴}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۱. حسن اسماعیلی و روزبه زرین‌کوب، ۱۳۹۰، «شورش سلوکیه و پیامدهای آن در زمان اردوان دوم اشکانی»، تاریخ ایران، شماره ۶۸/۵، صص ۲۷-۴۵.

12. Leonardo Gregoratti, 2017, "Sinews of the other Empire: The Parthian Great King's Rule Over Vassal Kingdoms", *Sinews of Empire*, Edited by Hakon Fiane Teigen and Eivind Heldaas Seland, Oxford and Philadelphia: Oxbow Books, p 96.

۱۳. برای مثال بنگرید به: گ. آ. کاشلنکو، ۱۳۸۵، «دولت پارت»، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه‌ی کیخسرو کشاورزی، مجموعه‌ی نویسندگان، تهران، مروارید، ص ۱۴۹.

14. Atropatene.

گوردوئنه،^{۱۵} آدیابنه،^{۱۶} اوسروئنه،^{۱۷} هترا،^{۱۸} میشان (خاراکنه)،^{۱۹} الیمایی،^{۲۰} پارس، سکستان، مرو و گرگان اثبات کرد.^{۲۱} در دوره‌ی اشکانی این قدرت‌های محلی که روند ایجاد آن‌ها از دوران سلوکی شروع شده بود، تلاش چندانی برای استقلال نکردند. دلیل آن را باید در منافع متقابل دو طرف در حفظ ساختار دست‌نشانده‌گی دانست که عبارت بود از تعهدات نظامی متقابل، بهره‌وری دولت مرکزی از توان نظامی و اقتصادی دولت‌های دست‌نشانده در مناسبات خارجی و داخلی و در مقابل، حمایت سیاسی دولت از آن‌ها.^{۲۲} برخی از پژوهشگران، سیاست اشکانیان در قبال حکومت‌های تابعه را ذیل سه روش دسته‌بندی کرده‌اند: در روش نخست که در برهه‌های زمانی خاصی در مقابل دولت‌های خاراکنه، اوسروئنه و الیمایی اتخاذ شد، فتح این سرزمین‌ها بود که راه‌های تجاری مهمی را در اختیار داشتند که خود موجب ادغام آن‌ها در دستگاه اداری اشکانیان، در عین حفظ دودمان حکومتی سابق شد. در مقابل، این دولت‌ها نیز تعهدات سیاسی و اقتصادی خود را در مقابل دولت مرکزی حفظ کردند. روش دوم که از نیمه‌ی دوم سده‌ی نخست پیش از میلاد به بعد اتخاذ شد و در سده‌ی یکم میلادی شدت بیشتری یافت، سیاست اشغال سرزمین‌های تابعه که کارآمدی سابق را نداشتند، برکناری دودمان فرمانروا و سرکار آوردن یک دودمان بومی دیگر بود که قدرت عالی‌ه‌ی اشکانیان را

15. Gorduene.

16. Adiabene.

17. Osroene.

18. Hatra.

19. Maishan (Characene)

20. Elymais

۲۱. ولادیمیر لوکونین، ۱۳۸۰، «نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری، مالیات‌ها و داد و ستد»، تاریخ ایران کمبریج، ج ۳، بخش دوم، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ص ۹۵؛ کاشلنکو، همان، ص ۱۴۹.

۲۲. ماریا بروسوس، ۱۳۹۶، ایرانیان باستان، ترجمه‌ی مانی صالحی علامه، تهران: ثالث، صص ۱۵۶-۱۵۸؛ همچنین بنگرید به:

Leonardo Gregoratti, 2016, "Parthian Empire", the Encyclopedia of Empires, Wiley Blackwell, p 5; Gregotatti, 2017, p 97.

بهبتر بشناسد؛ این سیاست در دولت‌های آدیابنه، اوسروئنه و خاراکنه اجرا شد. روش سوم که از سده‌ی نخست میلادی در دستور کار قرار گرفت و به تدریج دولت‌های خاراکنه، الیمایی، (احتمالاً) آنروپاتن و ارمنستان را شامل شد، عبارت بود از برکناری کامل دولت‌های محلی و انتصاب فرمانداری از دودمان حکومتگر اشکانی بر تخت حکومت.^{۲۳} بدیهی است این سیاست‌ها بسته به شرایط زمانی، متفاوت بودند؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد اشکانیان در مقابل دولت‌های دست‌نشانده سیاستی را اتخاذ کردند که کیل و گرگوراتی اصطلاحاً آن را انعطاف‌پذیر^{۲۴} می‌نامند. بر این مبنا، دولت‌های دست‌نشانده را باید جزئی از قلمرو شاهنشاهی اشکانی، در درون سرحدات این کشور در نظر گرفت که به دولت مرکزی وفادار بودند یا به انواع روش‌ها مجبور به این کار می‌شدند.

همان‌گونه که گفته شد، اردوان برای غلبه بر مشکلات داخلی کشور نیاز به تحکیم جایگاه خود و حکومت مرکزی داشت که به قیمت تضعیف خرده‌فرمانروایان دست‌نشانده تمام می‌شد. به همین دلیل اردوان از همان آغاز اقدام به تلاش برای گسترش مرکزگرایی و کاهش قدرت‌های خارج از مرکز^{۲۵} و حذف شاهک‌های دست‌نشانده چون شاه پارس، الیمایی و میشان در قلمرو خود کرد.^{۲۶} پیداست که این عمل او مورد پذیرش حکومت‌های دست‌نشانده قرار نمی‌گرفت. در دوره‌ی حکومت اردوان دوم، شاهنشاهی اشکانی به تقلید از هخامنشیان اقدام به استخدام مزدور در ارتش کرد.^{۲۷} این

23. Gregotatti, 2017, p 98-101.

24. flexible.

25. Gregoratti, 2016, p 3.

۲۶. میخائیل میخائیلویچ دیاکونوف، ۱۳۵۱، *اشکانیان*، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران: پیام، ص ۱۰۰؛ کلاوس شیپمان، ۱۳۹۸، *مبانی تاریخ پارتیان*، ترجمه‌ی هوشنگ صادقی، تهران: فرزانه روز، ص ۵۸؛

K. Schippmann, 1986, "ARTABANUS (Arsacid kings)", *Encyclopaedia Iranica*, <https://www.iranicaonline.org/articles/artabanus-parth#pt2>

۲۷. ولسکی، همان، ص ۱۷۵.

موضوع خود نمایان‌گر درگیری او با اشراف و خاندان‌های بزرگ است که با سپاهیان شخصی خود بدنه‌ی اصلی سپاه شاهنشاهی اشکانی را تشکیل می‌دادند. ادامه‌ی درگیری با اشراف موجب ارتباط پنهانی برخی از آنان با دربار روم شد.^{۲۸} از زمان اردوان عبارت «فیل‌هلن» (یونان دوست) از سکه‌های اشکانی حذف شد^{۲۹} که چنین امری خود نشانگر وجود روحیه‌ی ایران‌گرایانه در وجود این چهره‌ی سیاسی است. همچنین نامه‌ی او به تیریوس امپراتور روم (۱۴-۳۷ م) مبنی بر ادعای حق خود بر میراث کوروش،^{۳۰} می‌تواند مؤید همین ادعا باشد. این رویکرد سیاسی، در ادامه با واکنش‌هایی از جانب یونانیان قلمرو اشکانی مواجه شد؛ به طوری که وقتی تیرداد دوم (۳۶ م) تلاش کرد به کمک روم، قدرت را در دست گیرد، با استقبال شهرهای یونانی قلمرو اشکانی که مخالف اردوان بودند، مواجه شد.^{۳۱} این اقدامات اردوان، حاکی از تغییر رویه‌ی جدی در سیاست اداری حکومت اشکانی است که توسط جانشین باواسطه‌اش، بلاش یکم، دنبال شد و در نهایت منجر به رونق و رفاه برای شاهنشاهی اشکانی گشت.^{۳۲} و فور ذخایر سکه در این دوره، گواهی بر این مدعاست.^{۳۳}

نقطه‌ی آغازین عملکرد اردوان در سیاست داخلی، سرزمین ماد آتروپاتن بود که خود او پیش از تخت‌نشینی، فروانروایی آن سرزمین را بر عهده داشت.^{۳۴} بر اساس پاره‌های از گزارش‌ها می‌توان پنداشت که اردوان از دودمان آتروپات

28. Tacitus, 1904, *the Annals of Tacitus Vol 1*, Translated by George Gilbert Ramsay, London: J.Murray, p 397.

۲۹. ولسکی، همان، ص ۱۷۸؛ مالکوم کالج، ۱۳۸۰، اشکانیان (پارتیان)، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات هیرمند، ص ۸۸.

30. Tacitus, p 398..

31. Ibid, p 410.

۳۲. ولسکی، همان، ص ۱۶۹.

۳۳. شییمان، همان، ص ۶۰.

۳۴. مارتین شووتکی، ۱۳۹۲، «منابعی در مورد تاریخ ماد آتروپاتنه و هیرکانیا در عهد اشکانیان»، ترجمه‌ی هوشنگ صادقی، امپراطوری اشکانی و اسناد و منابع آن، ویراسته‌ی یوزف ویزهوفر، تهران: فرزنان روز، ص ۶۹۴.

بوده و این خاندان از دوران فروپاشی هخامنشیان بر آتروپاتکان فرمان می‌راندند؛ چراکه به گفته‌ی استرابو هنوز در دوران تیبریوس، خاندان آتروپات بر سرزمین آتروپاتکان حکم می‌راندند^{۳۵} و این مقارن با حکومت اردوان و پس از او برادرش ونون بر آتروپاتکان است.^{۳۶} برخی شواهد نشان می‌دهد احتمالاً این خاندان تباری هخامنشی داشته یا سعی در انتساب خود به هخامنشیان داشته‌اند. اردوان نام پسر خود را داریوش گذاشته بود^{۳۷} و از طرف دیگر بنا بر فهرستی که سبئوس ارائه می‌دهد، شخصی به نام داریوش در همان زمان اردوان بر ایران اشکانی حکومت می‌کرد.^{۳۸} از سوی دیگر «دارا»ی مذکور در فهرست شاهان اشکانی منقول از موسی خورنی نیز با اردوان دوم همزمانی پیدا می‌کند^{۳۹} که می‌تواند نشانگر صحت گزارش فوق باشد. همچنین نام‌های مورد اشاره در بالا از جانب اردوان به تیبریوس مبنی بر ادعای او بر میراث هخامنشی خود، گواهی دیگر بر این ادعاست. بنابراین می‌توان پنداشت اردوان برای مرکزگرایی، عملکرد هخامنشیان را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده‌است. از این گذشته به گزارش تاکیتوس، اردوان با کرمانی‌ها و گرگانی‌ها خویشاوندی داشت^{۴۰} و در میان قوم داهه پرورش یافته بود^{۴۱} و از جانب مادری از خاندان اشکانی بود،^{۴۲} بنابراین از حمایت نسبی بخش‌های گوناگون کشور برای تثبیت تمرکز حکومت نیز برخوردار بود. مرز شمالی ماد آتروپاتن با

35. Strabo, 1928, *The Geography Vol 5*, edited by T.E.Page, E.Capps, W.H.D.Rouse, Translated by Jones Horace Leonard, London: William Heinemann LTD, p 303.

۳۶. شوتکی، همان، ص ۶۹۵؛ برای دیدگاه مخالف در مورد تبار اردوان بنگرید به:

K. Schippmann, 1987, "AZERBAIJAN iii. Pre-Islamic History", *Encyclopaedia Iranica*, <https://www.iranicaonline.org/articles/azerbaijan-iii>

۳۷. همانجا.

۳۸. همان، ص ۷۰۵.

۳۹. اریک کتنهوفن، ۱۳۹۲، «اشکانیان در منابع ارمنی»، ترجمه‌ی هوشنگ صادقی، امپراطوری اشکانی و اسناد و منابع آن، ویراسته‌ی یوزف ویزهوفر، تهران: فرزانه روز، صص ۵۱۳-۵۱۴.

40. Tacitus, p 404.

41. Ibid, p 104.

42. Ibid, p 411.

ارمنستان، در امتداد رود ارس بود؛^{۴۳} اما احتمالاً بنا به مقتضای مناسبات سیاسی، تغییراتی را متحمل می‌شد. اردوان در مرز حساس با ارمنستان که خود قصد بازپس‌گیری آن را داشت (بنگرید به ادامه)، برادر خود ونون (که با نام ونون دوم (۵۱ م.) به حکومت می‌رسد) را جانشین خویش کرد^{۴۵} تا هم‌چنان ماد کوچک را در کنترل خود داشته باشد.

شهر شوش از پایتخت‌های شاهنشاهی هخامنشی بود که در دوره‌ی سلوکی اهمیت خود را حفظ کرد؛ اما به تدریج به صورت یک پولیس^{۴۶} یونانی درآمد که با قواعد و قوانین دولت‌شهرهای یونانی اداره می‌شد.^{۴۷} اردوان برای غلبه بر این واگرایی، تصمیم به مداخله در امور شهر گرفت. متن نام‌های از جانب اردوان به مردم شهر شوش از سال ۲۱ م بازمانده است که نشانگر سیاست مرکزگرایی اردوان دوم است:

«دریافت شده در سال ۲۶۸ از گاهشمار شاهی و سال ۳۳۳ از گاهشمار پیشین. درود از شاه شاهان ارشک به آنتیوخوس و فرهاد، دو آر خون^{۴۸} [فرماندار] در [سرزمین] شوش و شهر [آن]. [از آنجایی که هستیایوس^{۴۹} پسر آسیوس^{۵۰}، یکی از شهروندان شما و یکی از اعضای سازمان «دوستان نخستین و بسیار شایسته» و

۴۳. پلوتارک، ۱۳۳۸، حیات مردان نامی، ج ۴، ترجمه‌ی رضا مشایخی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۴۲۴.

۴۴. اقرار علی‌اف، ۱۳۷۸، تاریخ اتوریاتکان، ترجمه‌ی شادمان یوسف، تهران: بلخ، ص ۱۲۱.

۴۵. دیاکونوف، همان، ص ۱۰۰.

46. Polis.

۴۷. نینا پیگولوسکایا، ۱۳۷۲، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه‌ی عنایت‌الله رضا، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ص ۱۴۲-۱۴۳؛

Laurianne Martinez-Sève, 2015, "SUSA iv. The Hellenistic and Parthian Periods", *Encyclopaedia Iranica*, <https://www.iranicaonline.org/articles/susa-iv-hellenistic-parthian-periods>

48. Archon.

49. Hestiaeus.

50. Asius.

یکی از نگاهبانان، خود را به شایستگی و با رعایت دادرزی و فسادناپذیری به مقام خزانه‌داری سال ۳۲۹ رسانده بود و از [هیچ هزینه‌ای] از دارایی خودش به سود شهر خودداری نکرد، در دوره‌ی مسئولیتش آن‌گاه که شهر به پیامرسان نیاز داشت، دوبار [خودش این کار را به دوش کشید]، و با این نگاه که انجام کارهای شهر مهم‌تر از نگهداری از اموال خودش است و با اختصاص [بدون عوض] پول و تلاش برای دو مأموریت نامبرده و اداره‌ی آن‌ها به شکلی که به سود شهر پایان یابد، افتخاری درخور را به دست آورد، چنان‌که فرمان [شورای شهر] در سال ۳۳۰ نیز به آن گواهی می‌دهد؛ از آنجایی که در سال ۳۳۱ که نیاز به یک مرد [خوب] احساس شد [او دوباره نامزد] این مقام برای سال ۳۳۲ شد و پس از آزمون‌های طولانی، زمانی که پتاسوس پسر آ [تئیوخوس به همراه آریستومنس^{۵۱}] پسر فیلیپ [به عنوان آرخون برگزیده شدند] او به پیش آمد و گواهی داد که از تأسیس [؟] و قرارگیری در همان منصب پیش از گذر سه سال منع شده است؛ چرا که شهر از شخصیت نیک او و تصدی‌گری همین مقام توسط او آگاه است، تصمیم گرفت او را به مقام خزانه‌دار بگمارد و بنابراین او [برای] سال ۳۳۲ در زمان آرخونی پتاسوس پسر آنتیوخوس و آریستومنس پسر فیلیپ نیز منصوب شد؛ از آن زمان که [شما خطای] هیستیا یوس را به دلایل نامبرده به ما [گزارش دادید]، ما تصمیم گرفتیم که این گزینش معتبر است و او نه باید برای دوبار دریافت این مقام بدون گذراندن دوره‌ی ۳ ساله‌ی میان آن‌ها مورد پیگرد قرار گیرد و نه برای برای هیچ فرمان شاهی مربوط به هر موضوع دیگری و ما تصمیم گرفتیم که آن [عدم رعایت قانون] که مورد اشاره قرار گرفت، آشکارا مورد بخشایش قرار گیرد، هیچ نافرمانی یا تحقیق و بررسی کلی و جزئی نیز لازم نیست؛ سال ۲۶۸، روز ۱۷ ماه اودنائوس^{۵۲}.

51. Aristomenes.

52. Jona Lendering, 2020, "Susa, Letter from Artabanus II", *Livius*, <https://www.livius.org/pictures/iran/susa/susa-museum-pieces/susa-letter-from-artabanus-ii/>;

همچنین نک. محمود جعفری دهقی، ۱۳۹۳ (الف)، «تاریخ سیاسی اشکانیان»، تاریخ

با نگاه به این نامه (فرمان)، نارضایتی شاه از خودمختاری داخلی پولیس‌ها مشهود است و اردوان از طریق دخالت در امور داخلی پولیس‌ها با تکیه بر آرای عمومی، سعی در کاهش قدرت و نفوذ اشراف و مقامات شهری دارد. شواهد باستان‌شناسی حاکی از پیشرفت و رونق شهر شوش در دوره‌ی اشکانی هستند^{۵۳} که باید گواهی بر سیاست درست شاهنشاهان اشکانی در برابر این شهر در نظر گرفته شود. در الیمایی نیز که در کوهستان‌های مشرق شوش قرار داشت، اردوان سیاست مشابهی اتخاذ کرد. استرابون که احتمالاً در سده‌ی نخست و در زمان حکومت اردوان اثر خود را می‌نگاشت، از بسط قدرت اشکانیان در سرزمین الیمایی و کاهش درگیری‌های حاصله از آن در زاگرس در زمان خودش خبر می‌دهد^{۵۴} که شاید حاصل همین سیاست مرکزگرا و ثبات‌محور اردوان بوده باشد. بر اساس داده‌های سکه‌شناسی به نظر می‌رسد اردوان (شاید از حدود سال ۲۵ م.) با خلع دودمان بومی حاکم، یکی از اعضای خاندان اشکانی را به حکومت این سرزمین گماشت^{۵۵}. اما الیمیاییان در شورش ناموفق تیرداد (۳۶ م) به او پیوستند.^{۵۶} مشخص نیست که اردوان پس از به تخت نشستن، چه رویکردی در برابر شورش الیمیاییان داشته است.

جامع ایران، ج ۲، ویراسته‌ی حسن رضایی باغبیدی و محمود جعفری‌دهقی، تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، صص ۳۶۰-۳۶۱؛ بروسیوس، همان، ص ۱۶۱؛ پاتس، دنیل تی.، ۱۳۹۹، *باستان‌شناسی ایلام*، ترجمه‌ی زهرا باستی، تهران: سمت، صص ۵۵۸-۵۵۹. ۵۳. یوزف ویزهوفر، ۱۳۸۰، *ایران باستان*، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس، ص ۱۸۰.

54. Strabo, 1930, Vol. 7, p 173.

۵۵. لویی واندنبرگ و کلاوس شیپمان، ۱۳۹۳، *نقوش برجسته‌ی منطقه‌ی الیمایی در دوران اشکانی*، ترجمه‌ی یعقوب محمدیفر و آزاده محبت‌خو، تهران: سمت، ص ۳۳؛ حسن پاکزادیان، ۱۳۸۶، *سکه‌های الیمایی*، تهران: حسن پاکزادیان، صص ۹۱-۹۷؛ اووه البروک، ۱۴۰۰، *پارتیان*، ترجمه‌ی شاهین آریامنش، تهران: مرکز معرفی فرهنگی، ص ۱۶۴؛ نظرات در این باره متفاوت است و برخی این تاریخ‌گذاری را نمی‌پذیرند؛ برای تاریخ الیمایی در دوره‌ی اشکانی بنگرید به:

John F. Hansman, 2011, "Elymais", *Encyclopaedia Iranica*, <https://www.iranicaonline.org/articles/elymais>

۵۶. گوتشمید، همان، ص ۲۲۹؛ Hansman, 2011.

هرچند درباره‌ی قلمرو حکومت نیمه‌مستقل خاراکنه اطلاعات محدودی در دست است؛ اما در حدود سال ۱۹ میلادی شخصی با نام ایرانی اورباز یکم بر تخت شاهی این حکومت تکیه می‌زند.^{۵۷} این رخداد تقریباً همزمان با اصلاحات اردوان در شوش است. دیاکونوف نام این شخص را آرتاباز و از تبار اشکانی می‌داند،^{۵۸} بنابراین با فرض صحت زمان‌بندی‌ها، اینجا نیز می‌توان ردپای سیاست مرکزگرایی اردوان را باز یافت. شاید بتوان این‌گونه اقدامات اردوان در شوش و خاراکنه را تلاشی برای بهبود تجارت دریایی با نظارت حکومت مرکزی بر راه‌های آبی در نظر گرفت. از متن پریپلوس یا «سفر در دریای اریتره» که در سده‌ی نخست میلادی نگارش شده، آشکار می‌شود که در این زمان مسیر تجاری دریای سرخ به دریای پارس و هند از رونق بالایی برخوردار بوده است.^{۵۹}

یهودیان نگرشی مثبت نسبت به شاهنشاهی اشکانی داشتند،^{۶۰} به شکلی که یک روحانی یهودی در این عصر گفته است: «زمانی که ببینید یک اسب پارسی [اینجا منظور ایرانی است] در سرزمین اسرائیل به سنگی افسار شده است، در انتظار قدم ملوکانه‌ی مسیح باشید».^{۶۱} از یوسفوس گزارش شده که یهودیان در مرز فرات در غرب شاهنشاهی اشکانی حضور چشمگیر داشتند.^{۶۲} غالباً داستان یهودیان عاصی در دوره‌ی حکومت اردوان دوم، گواهی بر افول کشورداری در دوران پسین حکومت اشکانیان در نظر گرفته می‌شود؛ اما طبق روایتی که یوسفوس ثبت کرده، در طول حکومت اردوان دوم، دو برادر یهودی

۵۷. ویزهوفر، همان، ص ۳۷۱.

۵۸. دیاکونوف، همان، ص ۱۰۰.

۵۹. کیانراد، همان، ص ۱۹۸.

۶۰. جی. نویسنر، ۱۳۸۰، «یهودیان در ایران»، تاریخ ایران کمبریج، ج ۳، بخش ۲، ویراسته‌ی احسان یارشاطر، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، صص ۳۴۹-۳۵۰.

61. Geoffrey Herman, 2012, "The Jews of Parthian Babylonia", *The Parthian Empire and its Religions*, Peter Wick & Markus Zehnder, Gutenberg: Computus Druck Satz & Verlag, p 144.

62. Ibid, p 141.

به نام آسینای^{۶۳} و آنیلای^{۶۴} در میان رودان به راهزنی پرداخته و سپاه اعزامی حکومت مرکزی را شکست دادند. اردوان با مشاهده‌ی لیاقت نظامی آنان، آسینای را به دربار فراخوانده و والی بابل کرد. این اتفاق در سال ۲۱ میلادی رخ داد.^{۶۵} پس از مدتی آسینای درگذشت و جانشینش، آنیلای، در پی اختلاف با اشراف منطقه با آنان به جنگ پرداخت و پس از مدتی مغلوب و مقتول شد.^{۶۶} در پی این رخداد، یهودیان که با بابلیان مشکل پیدا کرده بودند، از بابل به سلوکیه کوچانده شدند و در آنجا پس از اختلاف با یونانیان شهر، در جنگی داخلی تلفات پرشماری دادند.^{۶۷} برخی پژوهشگران این داستان را نشانی از ضعف و سقوط تدریجی شاهنشاهی اشکانی می‌دانند؛ اما به عقیده‌ی ولسکی می‌توان این روایت را با نگاه جدیدی به حکومت اردوان دوم، در قالب برنامه‌ی او برای مبارزه علیه یونانیان میان رودان دانست.^{۶۸} از طرفی داستان دو برادر را شاید بتوان تلاشی برای برکشیدن یهودیان زمین‌دار هوادار دودمان اشکانی در منطقه دانست.^{۶۹} اگر این داستان در چهارچوب سیاست کلی اردوان بررسی شود، می‌توان به این برداشت دست یافت که اردوان با کمک نیروهای محلی وفادار، سعی در کاهش قدرت اشراف محلی و شهربان‌های طاغی داشته است.^{۷۰} هرچند در مجموع این اقدام نتیجه‌ی آنی نداد؛ اما همین یهودیان میان‌رودان بودند که چند دهه بعد علیه لشکریان

63. Asinai

64. Anilai

۶۵. گوتشمید، همان، ص ۱۸۱.

۶۶. بیوار، همان، ص ۱۷۱-۱۷۲.

۶۷. پیرنیا این داستان را به تفصیل در اثر خود آورده است: حسن پیرنیا، ۱۳۹۱، تاریخ ایران باستان، تهران: نگاه، صص ۱۹۷۵-۱۹۷۶.

۶۸. ولسکی، همان، ص ۱۷۷.

۶۹. برای نظرات گوناگون نک. تسارچک، ۱۳۹۲، «اشکانیان در نوشته‌ی ژوزفوس»، ترجمه‌ی خشایار بهاری، امپراطوری اشکانی و اسناد و منابع آن، ویراسته‌ی یوزف ویزهوفر، تهران: فرزندان روز، ص ۴۸۱.

70. David Goodblat, 1987, "Josephus on Parthian Babylonia (Antiquities XVIII, 310-379)", *American Oriental Society, Gollege Park: University of Maryland*, p 617.

متخاصم ترایان مقاومت چشمگیری نشان دادند^{۷۱} و این خودگواه بر موفقیت بلندمدت سیاست اردوان در این رابطه است. از طرفی باید اهداف اقتصادی و تجاری اردوان در بهره‌گیری از توان تجاری یهودیان را در نظر داشت که در این زمان از میان‌رودان تا سوریه و فلسطین در امر تجارت فعال بودند و این موضوع می‌تواند از علل مهم برکشیدن یهودیان توسط او باشد.^{۷۲}

به دنبال این حوادث، ماجرای شورش سلوکیه، سال‌های پر آشوب حکومت اردوان دوم را متأثر کرد. به گزارش پلینی، پارتیان تیسفون را برای انتقال جمعیت سلوکیه بنا کردند.^{۷۳} با توجه به گزارشی مبنی بر تاج‌گذاری اردوان در تیسفون،^{۷۴} با وجود تأکید آمیانوس مبنی بر ساخت این شهر در دوره‌ی وردان (پسر اردوان؟)،^{۷۵} شاید بتوان گذاشتن سنگ بنای این شهر یا گستراندن آن را در دوره‌ی خود اردوان دانست که به هدف تضعیف سلوکیه انجام شد. پس از پایان کار برادران یهودی، اردوان اقدام به کوچاندن یهودیان به شهر سلوکیه کرد.^{۷۶} شهر سلوکیه شهری متشکل از اقوام مختلف بود.^{۷۷} شیوه‌ی اداره‌ی شهر در دوره‌ی اشکانی به صورت نیمه مستقل و به واسطه‌ی مجلس و مقامات محلی بود.^{۷۸} همین موضوع باید اردوان را مایل به کاهش استقلال داخلی شهر

71. Herman, p 142.

72. Leonardo Gregoratti, 2014, "The Parthian Empire: Romans, Jews, Greeks, Nomads, and Chinese on the Silk Road", *The Silk Road: Interwoven History*, Vol. 1, Edited by Mariko Namba Walter, Cambridge Institutes Press, pp 53-55.

73. Pliny, 1855, *Natural History Vol 2*, Translated by John Bostock & H.T. Riley, Henry G. Bohn, York Street, Covent Garden, p 73.

74. Jens Kroger, 2011, "CTESIPHON", *Encyclopaedia Iranica*, <https://www.iranicaonline.org/articles/ctesiphon>

۷۵. آمیین مارسلن، ۱۳۱۰، جنگ شاهپور ذوالاکتاف با یولیانیوس امپراتور روم، ترجمه‌ی محمدصادق آتابکی، تهران: چاپخانه‌ی خورشید، ص ۲۹.

۷۶. به گفته‌ی یوسفوس خود یهودیان راغب به این جابه‌جایی بودند؛ نک. رجک، همان، صص ۴۸۰-۴۸۱؛ پیرنیا، همان، ص ۱۹۷۶؛ اسماعیلی و زرین‌کوب، همان، ص ۳۴.

۷۷. پیرنیا، همان، ص ۱۷۴۲.

۷۸. بیگولوسکایا، همان، ص ۹۳؛ به عقیده‌ی ویدنگرن، مجلس ۳۰۰ نفری سلوکیه بیشتر می‌تواند مأخوذ از الگویی اشکانی باشد تا یونانی: گئو ویدنگرن، ۱۳۹۱، *فئودالیسم در ایران*

کرده باشد. به گزارش تاکیتوس، اردوان حکومت شهر را به اشراف سپرد.^{۷۹} اقدام اردوان در کاهش خودمختاری در شهر سلوکیه را می‌توان از سکه‌هایی که در این زمان در این شهر ضرب شده باز یافت که برای نخستین مرتبه تصویر شاه بزرگ اشکانی بر آن‌ها نقش بسته است.^{۸۰} کوچاندن یهودیان به شهر، منجر به ایجاد اختلافات داخلی میان آنان و یونانیان و در نتیجه کشتار یهودیان شد که شمار آنان را به اغراق ۵۰ هزار تن گزارش کرده‌اند.^{۸۱} بنابراین می‌توان رد پای سیاست مرکزگرایی اردوان از طریق بهره‌گیری از یهودیان وفادار به شاهنشاهی اشکانی در برابر خودسری یونانیان را مشاهده کرد. با این حال در پی این رخداد و همچنین شورش تیرداد (۳۶م)، شهر سلوکیه به طرفداران تیرداد پیوست^{۸۲} و پس از شکست شورش تیرداد توسط اردوان نیز هم‌چنان در شورش ماند و حتی سکه‌هایی نمایان‌گر خودمختاری نیز ضرب کرد^{۸۳} و در نهایت توسط وردان پسر و جانشین اردوان سرکوب شد (۴۲م). این بار نیز جانشینان اردوان میوه‌ی تلاش‌های او را چیدند.

سیاست اردوان در برابر حکومت نیمه‌مستقل آدیابنه تا حدودی متفاوت می‌نماید. اردوان پس از شکست تیرداد شورش، این بار با مخالفت درباریان مواجه گشته و به ایزت^{۸۴} شاه آدیابنه پناه برد و در تیسفون شخصی از خاندان اشکانی به نام کیناموس به جای او به تخت نشست.^{۸۵} ایزت به اردوان برای بازپس‌گیری تخت حکومت کمک کرد که پاداشش در ازای این کمک، حق به سر نهادن تیارای راست و استفاده از تخت زرین بود.^{۸۶} همچنین اردوان

باستان، ترجمه‌ی هوشنگ صادقی، تهران: کتاب‌آمه، ص ۱۵۷.

79. Tacitus, p 411.

80. Gregoratti, 2014, pp 55-56.

۸۱. پیرنیا، همان، ص ۱۹۷۶؛ ولسکی، همان، ص ۱۷۷.

82. Tacitus, p 411.

۸۳. اسماعیلی و زرین‌کوب، همان، صص ۳۸-۳۹.

84. Izates

۸۵. پیرنیا، همان، صص ۱۹۷۷-۱۹۷۸.

۸۶. رک: همان، ص ۴۸۷؛ بیوار، همان، صص ۱۷۴-۱۷۵؛ البروک، همان، ص ۱۵۹.

شهر نصیبین^{۸۷} را نیز ضمیمه‌ی قلمرو او کرد.^{۸۸} تیاری راست نهادن، رسمی هخامنشی و مخصوص شاهنشاه بود^{۸۹} و در دوره‌ی اشکانی نیز این کلاه در قالب تاج مهرداد دوم بر سکه‌ها نمودار می‌شود.^{۹۰} تخت زرین نیز امتیازی مختص شاهنشاه اشکانی بود و خسروی اشکانی (۱۰۹-۱۲۹ م) پس از صلح با روم، مصرانه استرداد آن را از رومیان خواستار بود.^{۹۱} بدین سبب عملکرد اردوان به منزله‌ی افزایش خودمختاری این قدرت محلی بود که با سیاست کلی او مخالفت داشت. اما علاوه بر شرایط سخت اردوان در پایتخت، با توجه به موقعیت استراتژیک آدیابنه در مرز ارمنستان باید پنداشت که اردوان قصد تقویت جبهه‌ی شمال میان‌رودان برای فتح ارمنستان را داشته است. به ویژه اینکه اشکانیان، نصیبین را از قلمرو ارمنستان جدا کرده بودند^{۹۲} و این خود گواه هدف اردوان برای تقویت آدیابنه در برابر ارمنستان است. درگیری‌های پیشین او در ارمنستان (بنگرید به ادامه) خود گواهی بر اهمیت بالای این سرزمین نزد اردوان است. از طرفی یوسفوس تصدیق می‌کند که ایزت پس از شناخت اردوان، همواره به دنبال او به صورت شاهی کم‌رتبه‌تر، پیاده راه می‌پیمود^{۹۳} و این موضوع خود گواهی بر سرسپردگی ایزت به شاهنشاه اشکانی است و این رفتار برای اردوان امتیازی در مقابله با اشراف و قدرت‌های

87. Nisibis

88. Jacob Neusner, 1964, "The Conversion of Adiabene to Judaism", *Biblical Literature*, p 62; D. Sellwood, 1983, "ADIABENE", *Encyclopaedia Iranica*, <https://www.iranicaonline.org/articles/adiabene>

۸۹. ن. و. سکوندا، ۱۳۹۹، «تغییرات پیش آمده در لباس‌های شاهان هخامنشی»، جهان هخامنشیان، ویراسته‌ی جان کرتیس و سنت جان سیمپسون، ترجمه‌ی خشایار بهاری، تهران: فرزانه روز، ص ۲۳۶؛ محمود جعفری دهقی، ۱۳۹۳ (ب)، «آرایش و پوشش در ایران باستان»، تاریخ جامع ایران، ج ۳، ویراسته‌ی حسن رضایی باغبیدی و محمود جعفری دهقی، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ص ۲۶۱.

۹۰. وستا سرخوش کرتیس، ۱۳۹۳، «احیای ایران در دوره‌ی پارتیان»، پارتیان، ویراسته‌ی وستا سرخوش کرتیس و سارا استورات، تهران: مرکز، ص ۲۲.

۹۱. بیرنیا، همان، ص ۲۰۳۵.

۹۲. بیگولوسکایا، همان، ص ۹۸؛ گوتشمید، همان، صص ۱۸۴-۱۸۵.

۹۳. رچک، همان، ص ۴۸۷.

دربار به شمار می‌رفت.

۳- سیاست خارجی اردوان دوم در مرزهای غربی

به عنوان مکملی برای بررسی سیاست داخلی اردوان دوم، باید به مشکلات او در مرزهای غربی در مقابل دشمن نیرومندش پرداخته شود. در دوره‌ی فرمانروایی اوگوستوس (۲۷ق.م-۱۴م) هرچند در مرزهای خاوری روم تنش چندانی وجود نداشت؛ اما رومیان و اشکانیان هر دو به دنبال نفوذ در ارمنستان بودند.^{۹۴} پس از خلع فرهاد پنجم، دوره‌ای از بی‌ثباتی در ساختار شاهنشاهی اشکانی به وجود آمد. ونون یکم که بر تخت حکومت اشکانیان تکیه زده بود، خود را مجبور به رقابت با اردوان و هوادارانش یافت. اردوان در مسیر دستیابی به تاج و تخت، دو جنگ با ونون داشت که در اولی شکست خورد و به آذربایجان عقب‌نشینی کرد؛ اما در جنگ دوم ونون را شکست داد و تا سلوکیه عقب راند. اردوان پس از پیروزی وارد تیسفون شد و بر تخت پادشاهی اشکانیان تکیه زد. به گزارش تاکیتوس، اردوان در نبرد با طویف اطراف هم صاحب پیروزی شد؛^{۹۵} اما او هویت این اقوام را مشخص نمی‌کند. شاید در این زمان او در آسیای مرکزی در مقابل کوشانیان به پیروزی رسیده باشد^{۹۶} که البته به جز حدس و گمان نمی‌توان چیز بیشتری گفت. رومیان که در این زمان خود را بسیار برتر از شرقی‌ها می‌دانستند،^{۹۷} برای گسترش قلمرو خود در مشرق زمین از دو طریق سعی در نفوذ و کاهش قدرت شاهنشاهی اشکانی داشتند: نخست تصاحب سرزمین ارمنستان؛ دوم درگیر کردن حکومت مرکزی اشکانی در مناقشات داخلی از طریق تحریک اشراف. البته رومیان به

۹۴. دیاکونوف، همان، ص ۹۷.

95. Tacitus, p 397.

96. Robert H. McDowell, 1939, "The Indo-Parthian Frontier", *the American Historical Review*, Vol. 44, No. 4, p 800.

۹۷. یان ویلم دریورس، ۱۳۹۲، «آنچه استرابو درباره‌ی سرزمین پارت و اشکانیان نوشته است»، *امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن*، ویراسته‌ی یوزف ویزهوفر، تهران: نشر فرزانه روز، ص ۴۴۲.

فتح سرزمین ثروتمند میان‌رودان نیز بی‌علاقه نبودند و چون این مهم از طریق عملیات نظامی حاصل نشد، سعی داشتند تا از طریق تضعیف حکومت مرکزی اشکانی به اهداف خود در ارمنستان و میان‌رودان دست یابند. رومیان از اهمیت ارمنستان و زیان حاصل از نفوذ اشکانیان در این سرزمین به خوبی آگاه بودند.^{۹۸} از طرفی یکی از دلایل مهم اشکانیان برای بسط سلطه بر ارمنستان، علاوه بر اهمیت تجاری این سرزمین، دستیابی به زمین‌های جدید برای اشراف و سپاهیان اشکانی بود.^{۹۹}

نخستین رویارویی جدی شاهنشاهی اشکانی در زمان اردوان دوم با امپراتوری روم، پس از شکست ونون و درخواست او از رومی‌ها برای حمایتش در برابر اردوان به وقوع پیوست. ونون از سلوکیه به ارمنستان فرار کرد و پادشاهی را به دست گرفت.^{۱۰۰} رومیان نیز موقع را مغتنم شمرده و ونون را در ارمنستان به رسمیت شناختند.^{۱۰۱} اردوان به خوبی از پیامدهای سلطه‌ی ونون بر ارمنستان، زیر سایه‌ی حمایت رومیان آگاه بود، در نتیجه به مخالفت برخاست و رومیان را تهدید کرد که در صورت عدم برکناری ونون، کار به جنگ خواهد کشید.^{۱۰۲} از طرفی بسیاری از ارمنیان نیز با درخواست اردوان مبنی بر تسلیم ونون به او موافق بودند.^{۱۰۳} رومیان نیز که آماده‌ی جنگ نبودند و از طرفی خود درباره‌ی حمایت اشراف ارمنی از ونون مردد بودند، در مقابل درخواست اردوان نرمش نشان دادند.^{۱۰۴} در نتیجه تیبریوس از حمایت ونون خودداری کرد و ونون پس از سه سال، در پی فشار حکومت اشکانی و سازشی که صورت گرفت و عدم حمایت رومی‌ها، از سلطنت کناره‌رفت.^{۱۰۵}

۹۸. دیاکونوف، همان، ص ۹۷.

۹۹. دریورس، همان، ص ۴۳۱.

100. Tacitus, pp 104-105.

۱۰۱. پیگولوسکایا، همان، ص ۹۰.

۱۰۲. گوتشمید، همان، ص ۱۸۱.

۱۰۳. پیرنیا، همان، ص ۱۹۶۴.

۱۰۴. شیپمان، همان، ص ۵۷.

۱۰۵. رجبی، همان، ص ۱۱۴؛ ملکی، همان، ص ۶۵: Schippmann, 2011.

اکنون عرصه برای اردوان فراهم شده بود تا قدرت خود را در ارمنستان تثبیت کند و او این مهم را با انتصاب پسر خود بر تخت حکومت این سرزمین به انجام رساند.^{۱۰۶} اینجا نیز می‌توان تلاش اردوان را برای برقراری حکومت یک شاخه از دودمان اشکانی بر تخت فرمانروایی حکومت‌های دست‌نشانده بازیافت. فتح ارمنستان، اشکانیان را صاحب نیروی فزاینده‌ای در برابر رومیان می‌کرد و رومیان از این امر غافل نبودند. بنابراین تیبریوس ناچار شد که به اقدامات شدیدی دست زند؛ او پسر خوانده‌اش ژرمانیکوس^{۱۰۷} را در سال ۱۸ میلادی با اختیارات کامل به نمایندگی خود به سوی ارمنستان فرستاد.^{۱۰۸} ژرمانیکوس مختار بود تا بدون رجوع به امپراتور، با رقیبان به جنگ و صلح پردازد و عهد و پیمان ببندد.^{۱۰۹} ژرمانیکوس پس از فتح ارمنستان، زنون را که در میان ارمنیان پرورش یافته و از تأیید آن‌ها برخوردار بود، به عنوان شاه ارمنستان منصوب کرد. اردوان با امضای قرارداد صلح^{۱۱۰} به مصالحه تن داد و در مقابل، روم متعهد شد رود فرات را به عنوان مرز بین دو کشور بپذیرد و زنون را از نزدیکی مرز قلمرو اشکانی دور کند.^{۱۱۱} قطعاً دلیل مصالحه اردوان را باید حفظ ثبات کشور و تقویت حکومت مرکزی دانست؛ چراکه این موضوع اولویت اول سیاست وی بود. اردوان از این دوره‌ی صلح برای تثبیت قدرت خود در کشور استفاده کرد.^{۱۱۲} صلح تا سال ۳۵ م. برقرار بود تا اینکه در این زمان درگیری جدیدی بر سر ارمنستان رخ داد.^{۱۱۳}

هر دو قدرت بزرگ، ارمنستان را متعلق به خود می‌دانستند، پس وقوع

۱۰۶. نیلسون دوبواز، ۱۳۹۶، تاریخ سیاسی پارت، ترجمه‌ی علی‌اصغر حکمت، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۱۱۴.

107. Germanicus.

۱۰۸. دوبواز، همان، ص ۱۱۴؛ شپیمان، همان، ص ۵۷.
۱۰۹. بیرنیا، همان، ص ۱۹۶۴.

110. Schippmann, 2011.

۱۱۱. ولسکی، همان، ص ۱۷۴.
۱۱۲. شپیمان، همان، ص ۵۸.
۱۱۳. ولسکی، همان، ص ۱۷۵.

درگیری بر سر این سرزمین دیر یا زود پیش‌بینی می‌شد. درگذشت زنون در ۳۵ م. و آگاهی اردوان از خودداری تیبریوس برای نبرد با اشکانیان، او را ترغیب به فتح دوباره‌ی ارمنستان کرد^{۱۱۴} و در پی این فتح، شاهزاده ارشک، به حکومت ارمنستان گماشته شد. بهانه‌ی اردوان برای این لشکرکشی، فرمانروایی سابق هخامنشیان بر ارمنستان بود^{۱۱۵} که خود می‌تواند گواهی بر الگوبرداری اردوان از سیاست مرکزگرایی هخامنشیان باشد. در همین راستا او با نگارش نامه‌ای به تیبریوس و ادعا بر اینکه وارث و مالک مملکت هخامنشیان و مقدونیان است و رومیان باید ذخایر و اموال و نون را که در شام و کیلیکیه باقی مانده بود به او پس دهند،^{۱۱۶} حمله‌ی خود به ارمنستان را توجیه کرد. از طرفی تیبریوس نیز نمی‌توانست دست روی دست بگذارد و ببیند تعادل قوا به ضرر روم بهم بخورد، بنابراین درگیری بر سر ارمنستان به مشکلات جدیدی برای طرفین انجامید.

در اینجا امپراتوری روم از دومین حربه سیاسی خود، یعنی درگیر کردن حکومت اشکانی در مناقشات داخلی استفاده کرد. تیبریوس که هیچ‌گاه از گسترش نفوذ در شرق و به خصوص در قلمرو شاهنشاهی اشکانی غافل نبود، می‌دانست اگر جنگ داخلی در میان اشکانیان رخ دهد، اردوان توان به چالش کشیدن قدرت روم در ارمنستان را نخواهد داشت.^{۱۱۷} همان‌طور که گفته شد، در فاصله آرامش ایجاد شده به واسطه معاهده صلح ایران و روم، اردوان به تثبیت اقتدار داخلی و تقویت حکومت مرکزی از طریق کاهش قدرت بزرگان و اشراف پرداخت. اشراف که از کاهش قدرت خود در هراس بودند، از اردوان روی برگرداندند و از امپراتور روم درخواست کردند پادشاهی برای ایشان از خاندان اشکانی بفرستد.^{۱۱۸} از زمان فرهاد چهارم که فرزندانش

۱۱۴. رجیبی، همان، ص ۱۱۵.

۱۱۵. شیپمان، همان، ص ۵۹.

116. Tacitus, p 398.

۱۱۷. پیرنیا، همان، ص ۱۹۶۸.

۱۱۸. شیپمان، همان، ص ۵۹؛ ولسکی، همان، ص ۱۸۰.

را به روم فرستاده بود، شماری از شاهزادگان اشکانی در این سرزمین زندگی می‌کردند و هرازچندگاهی، روم از آنان برای ایجاد اغتشاش در قلمرو اشکانی بهره می‌برد. در همین راستا تیریوس، کوچک‌ترین پسر فرهاد چهارم را نامزد تخت شاهنشاهی اشکانیان کرد.^{۱۱۹} این پسر که او نیز فرهاد نام داشت، نرسیده به قلمرو اشکانی به سبب بیماری یا توطئه‌ی اردوان درگذشت. از طرفی تیریوس به سمت قلمرو گرجستان (شاه فرسمن و برادرش مهرداد) روی آورد و آنان را ترغیب کرد تا تخت پادشاهی ارمنستان را تصاحب کنند.^{۱۲۰}

درگیری اردوان با فرسمن و مهرداد طولانی و سخت بود و حتی بعدها جنگ به درون خاک قلمرو اشکانیان نیز کشیده شد. در نهایت جنگ با عدم بهره‌مندی قوای اعزامی اردوان به پایان رسید و گرجستانی‌ها بر ارمنستان استیلا یافتند.^{۱۲۱} یکی از دلایل اصلی پیروزی قوای گرجستانی، بهره‌گیری آنان از سواره‌نظام اقوامی بود که از شمال قفقاز به کمک خوانده شده بودند.^{۱۲۲} تلاش مجدد اردوان برای حمله به ارمنستان با تهدید قوای رومی در مرز سوریه ناکام ماند^{۱۲۳} و رومیان مجدداً به ذخیره‌ی شاهزادگان اشکانی مقیم این کشور روی آوردند و شخصی تیرداد نام را راهی قلمرو اشکانی کردند تا تخت را صاحب شود و در این راستا چند لژیون سپاهی را در اختیار او گذاشتند.^{۱۲۴} نارضایتی بزرگان از اردوان که همواره برای او دردسری محسوب می‌شد، موجب گشت تا اردوان برای دریافت کمک نظامی به گرگان و سرزمین سکاها عقب بنشینند و تخت را برای مدعی جدید رها کند.^{۱۲۵} با این حال اردوان

۱۱۹. ولسکی، همان، ص ۱۸۰.

۱۲۰. ملکی، همان، ص ۶۷.

۱۲۱. رجیبی، همان، ص ۱۱۶؛ دیاکونوف، همان، ص ۹۹؛ پیرنیا، همان، ص ۱۹۷۰؛ Tacitus, pp 403-404.

۱۲۲. بیوار، همان، ص ۱۷۳.

۱۲۳. همانجا؛ Tacitus, pp 403-404.

124. Alain M. Gowing, 1990, «Tacitus and the Client Kings», Transactions of the American Philological Association, Maryland: Johns Hopkins University Press, p 320; ۱۱۹. دوبواز، همان، ص ۱۱۹.

۱۲۵. ولسکی، همان، ص ۱۸۰، ۴۱۲؛ Tacitus, p 404.

هنوز در پایتخت هوادارانی داشت و با کمک آنان و نیروهای سکایی خود، مجدداً موفق به بازپس‌گیری تخت حکومت شد و این استقرار مجدد، موجب شد تا تیبریوس به بستن پیمان صلح با اردوان ترغیب شود.^{۱۲۶} مدتی بعد در سال ۳۸ یا ۴۰ میلادی اردوان درگذشت.^{۱۲۷} اصرار زیاد اردوان در گشودن ارمنستان نشان می‌دهد این سرزمین برای اشکانیان اهمیت ویژه‌ای داشت؛ با این حال، رویکرد اردوان به این سرزمین، با رویکرد دیگر شاهان اشکانی فاتح ارمنستان متفاوت بود، چه او بر خلاف مهرداد دوم و ارد دوم، به جای واگذاری این سرزمین به یک شاه بومی، در تلاش بود تا شخصی از خاندان اشکانی را بر سر این سرزمین بگمارد. هرچند او در این امر ناموفق بود؛ اما سپس یکی از جانشینانش - بلاش یکم - از همین الگو بهره برد و شاخه‌ای از خاندان اشکانی را به شاهی ارمنستان رساند که مقدر بود تا چند سده این موقعیت را حفظ کنند. بنابراین اگرچه اردوان در مسئله‌ی ارمنستان ناموفق بود و شورش گاه و بی‌گاه اشرف نشان می‌دهد که در درون قلمرو نیز مشکلات جدی داشت؛ اما سیاست داخلی و خارجی او سرمشقی برای شاهان دوره‌های بعد شد تا مشکلات را ریشه‌یابی کرده و در پی برطرف کردن آن‌ها برآیند.

۴- نتیجه

شاهنشاهی اشکانی با حکومت بر یکی از وسیع‌ترین و پرجمعیت‌ترین واحدهای سیاسی زمان خود، به رویکردی پویا در زمینه‌ی سیاست داخلی و خارجی نیاز داشت و در صورت فقدان پویایی سیاسی در برخورد با مشکلات، امکان بقای سیاسی و استمرار موفقیت از حکومت سلب می‌شد. بنابراین حکومت و کارگزارانش، ناچار به بررسی مداوم مشکلات داخلی و خارجی و اتخاذ سیاست متناسب با آن بودند. از سده‌ی یکم میلادی با اوج‌گیری قدرت امپراتوری روم و شکل‌گیری پادشاهی کوشانی در طرفین ایران اشکانی، خطر

۱۲۶. رجبی، همان، ص ۱۱۷.

۱۲۷. ولسکی، همان، ص ۱۸۱؛ البروک، همان، ص ۹۱.

واگرایی حکومت‌های نیمه مستقل و گرایش فرمانروایان آن‌ها به قدرت‌های بیگانه افزایش می‌یافت و حکومت مرکزی اشکانی ناچار به مقابله با وضع موجود شد. همچنین افزایش توان نظامی قدرت‌های همسایه، پیشرفتی مشابه را در شاهنشاهی اشکانی می‌طلبید. بنابراین حکومت مرکزی، و در رأس آن شاهنشاه وقت (اردوان دوم) برای کنترل و اگرایی حکومت‌های نیمه مستقل و همچنین جلوگیری از مداخله‌ی امپراتوری روم در سرزمین راهبردی ارمنستان و همچنین حکومت‌های وابسته‌ی مرزی، اقدام به کاهش اختیارات این فرمانروایی‌ها کرد. روش اردوان در قبال حکومت‌های نیمه مستقل، تفویض اختیار آن‌ها به اعضای قابل اعتمادتر خاندان اشکانی بود و همچنین در راستای این رویکرد باید قدرت اشراف محلی نیز به نفع حکومت مرکزی کاسته می‌شد که اردوان به این مهم نیز اشتغال ورزید و نمونه‌ی آن در خیزش برادران یهودی در میان رودان، مشهود است. مسئله‌ی مهم بعدی برای شاهنشاهی اشکانی، خودمختاری داخلی برخی دولت‌شهرها چون شوش و سلوکیه بود که اردوان و جانشینانش با دخالت در امور داخلی این شهرها به میزان زیادی نفوذ حکومت مرکزی را در آن‌ها افزایش دادند. در برخی جبهه‌ها چون آدیابنه، اردوان مجبور به تعدیل رویکرد سیاسی خود شد و در برخی چون ارمنستان (و به تبع آن رابطه با روم)، سیاست اردوان با ناکامی موقت مواجه شد. با این حال رویکرد سیاسی اردوان به عنوان سرمشقی برای اخلافش قرار گرفت و با این رویکرد مرکزگرا، شاهنشاهی اشکانی توانست با نتایج نسبتاً موفقیت آمیزی از بحران خارج شده، به رونق اقتصادی دست یابد و سلطه‌ی خود را بر ارمنستان بسط دهد.

منابع

- آمیین مارسلن. (۱۳۱۰). جنگ شاهپور ذوالاکتاف با یولیانسوس امپراتور روم، ترجمه‌ی محمدصادق اتابکی، تهران: چاپخانه‌ی خورشید، چاپ اول
- اسماعیلی، حسن و زرین کوب، روزبه. (۱۳۹۰). «شورش سلوکیه و پیامدهای آن در

- زمان اردوان دوم اشکانی»، تاریخ ایران، شماره ۶۸/۵، (از ص ۲۷ تا ص ۴۵) البروک، اووه. (۱۴۰۰). پارتیان، ترجمه‌ی شاهین آریامنش، تهران: مرکز معرفی فرهنگی.
- بروسیوس، ماریا. (۱۳۹۶). ایرانیان باستان، ترجمه‌ی مانی صالحی علامه، تهران: ثالث.
- بوینارچی، اوسموند. (۱۳۹۲). «هندوپارتیان»، ترجمه‌ی فرید جواهرکلام، امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن، ویراسته‌ی یوزف ویزهوفر، تهران: فرزانه روز، صص ۶۲۶-۵۹۷
- بیوار، ایدرین دیوید. (۱۳۸۰). «تاریخ سیاسی ایران در دوره‌ی اشکانیان»، تاریخ ایران کمبریج، ج ۳ بخش ۱، ترجمه‌ی حسن انوشه، ویراسته‌ی احسان یارشاطر، تهران: امیرکبیر، (از ص ۱۲۳ تا ص ۲۰۱)
- پاتس، دنیل تی. (۱۳۹۹). باستان‌شناسی ایلام، ترجمه‌ی زهرا باستی، تهران: سمت.
- پاکزادیان، حسن، (۱۳۸۶)، سکه‌های الیمایی، تهران: حسن پاکزادیان.
- پلوتارک. (۱۳۳۷). حیات مردان نامی، ج ۲، ترجمه‌ی رضا مشایخی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول
- _____. (۱۳۳۸). حیات مردان نامی، ج ۴، ترجمه‌ی رضا مشایخی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول
- پیرنیا، حسن. (۱۳۹۱). تاریخ ایران باستان، تهران: نگاه، چاپ هشتم
- پیگولوسکایا، نینا. (۱۳۷۲). شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه‌ی عنایت‌الله رضا، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوم
- جعفری‌دهقی، محمود. (۱۳۹۳ الف)). «تاریخ سیاسی اشکانیان»، تاریخ جامع ایران، ج ۲، ویراسته‌ی حسن رضایی باغبیدی و محمود جعفری‌دهقی، تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، (از ص ۲۶۵ تا ص ۳۷۰)
- _____. (۱۳۹۳ ب)). «آرایش و پوشش در ایران باستان»، تاریخ جامع ایران، ج ۳، ویراسته‌ی حسن رضایی باغبیدی و محمود جعفری‌دهقی، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، (از ص ۲۲۹ تا ص ۳۳۰)
- دریورس، یانویلیم. (۱۳۹۲). «آنچه استرابو درباره‌ی سرزمین پارت و اشکانیان نوشته است»، امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن، ویراسته‌ی یوزف ویزهوفر، تهران: نشر فرزانه روز، (از ص ۴۱۷ تا ص ۴۴۵)
- دوبواز، نیلسون. (۱۳۹۶). تاریخ سیاسی پارت، ترجمه‌ی علی اصغر حکمت، تهران: علمی و فرهنگی.
- دیاکونوف، ایگور میخائیلویچ. (۱۳۵۱). اشکانیان، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران: پیام، چاپ دوم
- رجبی، پرویز. (۱۳۸۳). هزاره‌های گمشده، ج ۴ اشکانیان (پارته‌ها)، تهران: توس،

- چاپ دوم
- رجک، تسا. (۱۳۹۲). «اشکانیان در نوشته‌ی ژوزفوس»، ترجمه‌ی خشایار بهاری، *امپراطوری اشکانی و اسناد و منابع آن*، ویراسته‌ی یوزف ویزهوفر، تهران: فرزانه روز، صص ۴۹۴-۴۷۱
 - سرخوش کرتیس، وستا. (۱۳۹۳). «احیای ایران در دوره‌ی پارتیان»، پارتیان، ترجمه‌ی کاظم فیروزمند، ویراسته‌ی وستا سرخوش کرتیس و سارا استورات، تهران: مرکز، صص ۳۵-۱۱
 - سکوندا، ن. و. (۱۳۹۹). «تغییرات پیش آمده در لباسهای شاهان هخامنشی»، *جهان هخامنشیان*، ویراسته‌ی جان کرتیس و سنت جان سیمپسون، ترجمه‌ی خشایار بهاری، تهران: فرزانه روز، (از ص ۲۳۵ تا ص ۲۶۰)
 - سلوود، دیوید. (۱۳۸۰). «سکه‌های پارتی»، *تاریخ ایران کمبریج*، ج ۳ بخش ۱، ویراسته‌ی احسان یارشاطر، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، صص ۴۰۰-۳۸۱
 - شناپدر، رلف میثائیل. (۱۳۹۲). «فریندگی دشمن، تصاویر پارتیان و خاورزمین در رُم»، *امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن*، ویراسته‌ی یوزف ویزهوفر، تهران: نشر فرزانه روز، (از ص ۱۲۳ تا ص ۱۹۶)
 - شوتهکی، مارتین. (۱۳۹۲). «منابعی در مورد تاریخ ماد آتروپاتنه و هیرکانیا در عهد اشکانیان»، ترجمه‌ی هوشنگ صادقی، *امپراطوری اشکانی و اسناد و منابع آن*، ویراسته‌ی یوزف ویزهوفر، تهران: فرزانه روز، صص ۷۴۴-۶۷۵
 - شمیمان، کلاوس. (۱۳۹۸). *مبانی تاریخ پارتیان*، ترجمه‌ی هوشنگ صادقی، تهران: فرزانه روز، چاپ چهارم
 - علی‌اف، اقرار. (۱۳۷۸). *تاریخ آتورپاتکان*، ترجمه‌ی شادمان یوسف، تهران: بلخ، چاپ اول
 - کاشلنکو، گ. آ. (۱۳۸۵). «دولت پارت»، *تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز*، ترجمه‌ی کیخسرو کشاورزی، مجموعه‌ی نویسندگان، تهران، مروارید
 - کالج، مالکوم. (۱۳۸۰). *اشکانیان (پارتیان)*، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات هیرمند، چاپ اول
 - کنتهوفن، اریک. (۱۳۹۲). «اشکانیان در منابع ارمنی»، ترجمه‌ی هوشنگ صادقی، *امپراطوری اشکانی و اسناد و منابع آن*، ویراسته‌ی یوزف ویزهوفر، تهران: فرزانه روز، صص ۵۴۲-۴۹۵
 - کیانراد، خسرو. (۱۳۹۶). *بازرگانی در روزگار اشکانیان*، تهران: آدابوم، چاپ اول
 - گوتشمید، آلفرد فن. (۱۳۵۶). *تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان*، ترجمه‌ی کیکاووس جهاننداری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول
 - لوکونین، ولادیمیر. (۱۳۸۰). «نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری، مالیات‌ها و داد

- و ستد»، تاریخ ایران کمبریج جلد سوم بخش دوم، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، صص ۷۱-۱۴۸.
- ملکی، محمد. (۱۳۹۷). *اشکانیان ارمنستان*، تهران: پژواک کیوان، چاپ اول
- نویسنر، جی. (۱۳۸۰). «یهودیان در ایران»، *تاریخ ایران کمبریج*، ج ۳ بخش ۲، ویراسته‌ی احسان یارشاطر، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، صص ۳۶۴-۳۴۵
- واندنبرگ، لویی و شپیمان، کلاوس. (۱۳۹۳). *نقوش برجسته‌ی منطقه‌ی الیمایی در دوران اشکانی*، ترجمه‌ی یعقوب محمدی‌فر و آزاده محبت‌خو، تهران: سمت، چاپ سوم
- ولسکی، یوزف. (۱۳۸۲). *شاهنشاهی اشکانی*، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس
- ویدنگرن، گئو. (۱۳۹۱). *فتودالیسم در ایران باستان*، ترجمه‌ی هوشنگ صادقی، تهران: کتاب‌آمه، چاپ اول
- ویزهوفر، یوزف. (۱۳۸۰). *ایران باستان*، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس، چاپ چهارم
- Goodblat, David. (1987). "Josephus on Parthian Babylonia (Antiquities XVIII, 310-379)", *American Oriental Society*, College Park: University of Maryland, (p 605-622)
- Gowing, Alain M. (1990). «Tacitus and the Client Kings», *Transactions of the American Philological Association*, Maryland: Johns Hopkins University Press, (pp. 315-331).
- Gregoratti, Leonardo. (2014). "The Parthian Empire: Romans, Jews, Greeks, Nomads, and Chinese on the Silk Road", *The Silk Road: Interwoven History*, Vol. 1, Edited by Mariko Namba Walter, Cambridge Institutes Press.
- _____ (2016). "Parthian Empire", *The Encyclopedia of Empires*, Wiley Blackwell, pp 1-6.
- _____ (2017). "Sinews of the other Empire: The Parthian Great King's Rule Over Vassal Kingdoms", *Sinews of Empire*, Edited by Hakon Fiane Teigen and Eivind Heldaas Seland, Oxford and Philadelphia: Ox-bow Books, pp 95-103.
- Hansman, John F. (2011). "Elymais", <https://www.iranicaonline.org/articles/elymais>
- Herman, Geoffrey. (2012). "The Jews of Parthian Babylonia", *The Parthian Empire and its Religions*, Peter Wick & Markus Zehnder, Gutenberg: Computus Druck Satz & Verlag, pp 141-150
- Kröger, Jens. (2011). "CTESIPHON", <https://www.iranicaonline.org/ar->

[ticles/ctesiphon](#)

- Lendering, Jona. (2020). "Susā, Letter from Artabanus II", *Livius*, <https://www.livius.org/pictures/iran/susa/susa-museum-pieces/susa-letter-from-artabanus-ii/>
- McDowell, Robert H. (1939). "The Indo-Parthian Frontier", *The American Historical Review*, Vol. 44, No. 4, (p 781-801).
- Neusner, Jacob. (1964). "The Conversion of Adiabene to Judaism", *Biblical Literature*, (p 60-66)
- Pliny. (1855). *Natural History* Vol 2, Translated by John Bostock & H.T. Riley, Henry G. Bohn, York Street, Covent Garden
- Schippmann, K. (1986). "ARTABANUS (Arsacid kings)", <https://www.iranicaonline.org/articles/artabanus-parth#pt2>
- _____ (1987). "AZERBAIJAN iii. Pre-Islamic History", <https://www.iranicaonline.org/articles/azerbaijan-iii>
- Sellwood, D. (1983). "ADIABENE", <https://www.iranicaonline.org/articles/adiabene>
- Strabo. (1928). *The Geography* Vol 5, edited by T.E. Page, E. Capps, W.H.D. Rouse, Translated by Jones Horace Leonard, London: William Heinemann LTD
- _____ (1930). *The Geography* Vol 7, edited by T.E. Page, E. Capps, W.H.D. Rouse, Translated by Horace Leonard Jones, London: William Heinemann LTD
- Martinez-Sève, Laurianne. (2015). "SUSA iv. The Hellenistic and Parthian Periods", <https://www.iranicaonline.org/articles/susa-iv-hellenistic-parthian-periods>
- Tacitus. (1904). *The Annals of Tacitus* Vol 1, Translated by George Gilbert Ramsay, London: J. Murray.

The Political Approach of Artabanus II on the Western Borders of the Arsacids Kingdom

Abstract:

Determining the political policy of the Parthians, both inside and outside the country, is always difficult and sometimes impossible due to the lack of available documents. Nevertheless sometimes, by putting together the available evidence, a definite conclusion can be reached. During the reign of Artabanus II of Parthia, the Parthian Empire faced many political problems, such as Roman Empire's attempt to conquer Armenia as well as the tendency of the puppet governments for decentralization, therefore the Arsacid government needed a new approach in the field of domestic and foreign policy to get out of the crisis. Therefore, the main question of the current research is, what was the political approach and executive mechanism of Artabanus II in the western borders of his territory against hostile clans and governments? The findings of this article will show that in order to deal with the mentioned problems, Artabanus II on the one hand, reduced the authority of local dynasties such as Elymais, Azarbaijan, and Characene and replaced some of them with members of the Parthian family, and on the other hand, lessened the influence of local aristocracy and diminished the authority of local rulers of city-states in his territory. Along with internal proceedings, the policy of confronting Roman influence in Armenia was also included in Artabanus's agenda, which was temporarily resulted with the failure of the Parthians. Although all his actions did not have immediate results, they became a model for his successors in the following decades.

Keywords: Artabanus II, Parthians, internal politics, Foreign policy, centralism.